

## مطابقت فعل با نهاد، متمم، مضاف الیه، ...

تقی وحیدیان کامیار (دانشگاه فردوسی مشهد)

در زبانهایی که فعل دارای شناسه است مثل فارسی و عربی و آلمانی، منطقاً نهاد از نظر شمار باید با فعل مطابقت کند (مفرد با مفرد، جمع با جمع)<sup>۱</sup>؛ اما زبانها تابع چنین منطقی نیستند بلکه تابع کاربرد اهل زبان‌اند، به عبارت دیگر، تابع منطق سخن‌گویان هر زبان‌اند. لذا، در زبانهایی که فعل دارای شناسه است در مواردی این مطابقت را نمی‌بینیم. حتی، در زبان پهلوی، فعل ماضی متعدی به جای مطابقت با نهاد با مفعول مطابقت دارد<sup>۲</sup>. مثلاً معادل جمله فارسی تو مردان را دیدی در زبان پهلوی چنین است:

tō mardā n dīd hēnd

(برگردان تحت اللفظی آن: «تو مردان [را] دیدند».)

همچنین معادل جمله فارسی او را دیدم می‌شود:

man ōy did<sup>۳</sup>

(معادل تحت اللفظی: «من او را دیدم».)

در بعضی از گویشهای ایرانی امروز نیز همین پدیده دستوری دیده می‌شود. در نگاهی سطحی و غیرتوصیفی شاید به نظر برسد که در فارسی امروز نهاد با فعل مطابقت

۱) این مسئله به نظر بعضی چندان منطقی می‌نماید که کسی چون دکتر علی‌اکبر سیاسی در مقدمه کتاب مبانی فلسفه (تهران ۱۳۴۳) می‌نویسد که در همه جا برای نهاد جمع فعل جمع آوردم. حال آنکه فارسی این قاعده را همه جا بر نمی‌تابد. ۲) نوع فعل را ergative می‌نامند.

۳) آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تهران ۱۳۷۳، ص ۶۶-۶۷.

دارد؛ حال آنکه، در بسیاری از موارد، چنین مطابقتی وجود ندارد. آنچه دستورنویسان، اعم از ایرانی و غیرایرانی، دربارهٔ مطابقت نهاد با فعل در زبان فارسی آورده‌اند بیشتر براساس استقرای ناقص است نه توصیف دقیق. مثلاً در دستور زبان فارسی معروف به دستور پنج استاد چنین آمده است: اگر نهاد جمع و جاندار باشد، با فعل جمع می‌آید؛ اما، اگر نهاد جمع و جاندار نباشد، فعل می‌تواند مفرد بیاید یا جمع. اگر به اسم بی‌جان شخصیت انسانی داده شود، در حکم جاندار قرار می‌گیرد. گیاهان و اعضای زوج بدن و بعضی از کلمات که در آنها تغییر واقع گردد و زمان را برساند به ها و -ان جمع بسته می‌شود.<sup>۴</sup>

در توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، دو نکتهٔ جدید مطرح شده است: کلماتی مانند جنابعالی، حضرتعالی، سرکار [با وجود مفرد بودن] اسناد الزاماً جمع خواهد آمد و در سوم شخص امکان انتخاب وجود دارد.<sup>۵</sup> البته مطلب اخیر در موردی صدق می‌کند که نهاد را بتوان هم به صورت محترمانه مطرح کرد هم به صورت عادی. مثلاً دکتر آمد یا آمدند؛ اما در موارد دیگر چنین نیست:

- اگر نهاد کاملاً محترمانه باشد نمی‌توان برای آن فعل مفرد آورد: \*جناب آقای احمدی آمد.  
- اگر نهاد غیرمحترمانه باشد نمی‌توان فعل آن را جمع آورد: \*اصغر آمدند.  
باری مسئلهٔ مطابقت با فعل به این سادگی که در دستورهای فارسی آمده نیست. یعنی موارد عدم مطابقت منحصر به این سه‌چهار حالت نیست بلکه بسیار گسترده‌تر از آن است و ما، در این بررسی، به آن می‌پردازیم.

پیش از بررسی حالات عدم مطابقت نهاد با فعل، لازم است گفته شود که غرض از جمع چیست. جمع بر چند نوع است. جمع در فارسی آن است که بر بیش از یکی دلالت کند. جمع بستن اسم در فارسی شش صورت دارد:

(۱) با نشانه‌های ها، -ان، -ات، -ین، -ون و جمعهای مکسر: مردان، کتابها، ترکیبات، معلمین، انقلابیون، کتب، معابر، فرق، اخبار و نظایر آنها.

(۲) جمع با صفت شمارشی بیش از یک؛ به این صورت که، اگر صفت شمارشی بیش از یک همراه اسم مفرد باشد، در حقیقت جمع است: سه درخت، ده کتاب، بیست و یک آجر.

(۴) قریب و دیگران، دستور زبان فارسی، تهران ۱۳۳۰، ص ۱۱۵-۱۱۷.

(۵) باطنی، محمدرضا، چاپ هشتم، تهران ۱۳۷۴، ص ۱۱۰.

(۳) جمع از طریق عطف: رضا و فرهاد، من و شما.  
(۴) اسم جمع که لفظاً نشانه جمع ندارد اما معنأ بر جمع دلالت می‌کند: رمه، گله، قبیله، جمعیت، سپاه، گروه.

(۵) اسم مبهم. بعضی از اسمهای مبهم بر بیش از یکی به صورت مبهم دلالت دارند: همه، اغلب، بسیاری.

(۶) اسم همراه با صفت مبهمی که بر بیش از یکی دلالت دارد: چند سیب، خیلی کتاب. باید یادآور شد که، در این گفتار، مطابقت نهاد و فعل بر مبنای دستور ساختاری بررسی می‌شود؛ مثلاً، در جمله همه‌ی بچه‌ها را دیدم، همه مفعول است (همه را دیدم) و بچه‌ها مضاف الیه (برخلاف بعضی از دیدگاههای دستوری که همه را صفت می‌شمارند و بچه‌ها را مفعول؛ حال آنکه همه، در این بافت، نمی‌تواند صفت باشد؛ زیرا نشانه اضافه و صفی بعد از موصوف می‌آید ولی در این مثال بعد از همه آمده است. با توجه به این نکته، حالات عدم مطابقت نهاد با فعل را بررسی می‌کنیم. عدم مطابقت فعل سه حالت دارد:

الف- عدم مطابقت فعل با نهاد در شمار (یعنی مفرد و جمع) و شخص؛

ب- مطابقت فعل با متمم، مضاف الیه و جز آن؛

ج- فعلهای بی‌نهاد یا مستقل.

### الف- عدم مطابقت فعل با نهاد در شمار و شخص

۱. نهاد جاندار- برخلاف آنچه در دستورهایی موجود زبان فارسی آمده است، حتی

اگر نهاد جاندار و جمع باشد در بعضی موارد فعل می‌تواند مفرد بیاید:

در آن سال، گوسفندهای ما، همه، در اثر بیماری تلف شد/ شدند.

آن روز، پشه‌های زیادی توی هوا بود/ بودند.

امروز صبح چهل و پنج سرباز به جبهه اعزام شد/ شدند.

در این صحرا، خرگوشهای زیادی است. (هستند غیر عادی است)

ماهیهها به فروش رسید و به جای آنها مرغهای گوشتی خریداری شد.

این همه کارگر لازم نیست. (نیستند غیر عادی است)

توی اتاق فقط سه تا بچه بود. (بودند غیر عادی است)

هرگاه جمع با صفت عددی ساخته شود، عدم مطابقت اسم جاندار با فعل امری

است عادی: در آن ساختمان ده کارگر کار می‌کند.

۲. نهاد بی‌جان- در دستورهای زبان فارسی آمده است که برای اسمهای جمع بی‌جان در نقش نهادی می‌توان هم فعل مفرد آورد و هم فعل جمع. اما در مواردی فعل الزاماً باید مفرد بیاید:

کم‌کم بحثها بالاگرفت.

باید حرفها زده شود.

مدارک شما ترجمه شد.

روابط ما با آنها تیره شده بود.

امیدهای مردم به توست.

دعواها فایده نداشت.

خنده‌های تو باعث تعجب همه شد.

۳. مطابقت فعل با شمار جمع- یکی دیگر از موارد مطابقت فعل با نهاد از نظر شمار اسم جمع است. در دستور معروف به پنج استاد آمده است که هرگاه فاعل اسم جمع باشد جمع آن را هم می‌توان مفرد آورد و هم جمع (← قریب و دیگران، ج ۱، ۱۳۳۰، ص ۱۱۶). در کتاب دستور سال دوم آمده که شناسه فعلی برای اسم جمع اغلب جمع است (← ارژنگ و صادقی ۱۳۶۲، ص ۸۶). اما بررسی حالات گوناگون اسم جمع حاکی از آن است که آن در رابطه با فعل از نظر مطابقت سه حکم پیدا می‌کند:

۱) فعل با آن مطابقت نمی‌کند؛ یعنی نهاد نشانه جمع ندارد اما فعل جمع می‌آید: مردم آمدند.

۲) فعل با آن مطابقت می‌کند؛ یعنی نهاد و فعل هر دو مفردند: گله آمد.

۳) فعل با آن می‌تواند هم مطابقت بکند هم مطابقت نکند: ملت ایران می‌داند/ می‌دانند.

۴. عدم مطابقت فعل با اسم مبهم- اسم مبهم اسمی است که از نظر معنی مبهم است و همیشه نکره و نامعین (همان، ص ۸۵). اسم مبهم، اگر بر جاندار دلالت کند، فعل با آن مطابقت ندارد؛ یعنی برای اسم مبهم، که به صورت مفرد است، فعل جمع می‌آید: عده‌ای اعتصاب کردند. بسیاری با من هم عقیده‌اند.

## ب- مطابقت فعل با متمم، مضاف الیه و غیره

۱. مطابقت فعل با متمم- اسمهای مبهم مانند بعضی، برخی، بسیاری، خیلی، اندکی می‌توانند

نهاد جمله قرار بگیرند. بعضی کار را شروع کرده‌اند. بسیاری صبحانه می‌خورند.

این گونه اسمها نیاز به متمم دارند و، در صورت همراه بودن با متمم، فعل جمله به جای مطابقت با نهاد، با متمم مطابقت می‌کند: بعضی از ماها صبح زود بیدار شدیم. بعضی از شماها خوب کشتی گرفتید. بسیاری از ماها با نظر او مخالف بودیم.

اگر متمم این اسمهای مبهم ضمیر سوم شخص جمع یا اسم در حالت جمع باشد، فعل از نظر شخص با نهاد مطابقت می‌کند نه با متمم. منتها اگر نهاد جاندار باشد، فعل از نظر شمار با آن مطابقت ندارد؛ یعنی اسم مبهم مفرد است و فعل آن جمع: بعضی از کبوترها پرواز کردند. اما، اگر نهاد بر بی جان دلالت کند، هم امکان مطابقت است و هم عدم مطابقت: از درختان بعضی شکوفه دادند/ داد.

۲. امکان مطابقت یا عدم مطابقت فعل با متمم - واژه‌های یکی، هرکدام، هریک، کدامیک، هیچ‌کدام دوامکانه هستند: اگر متمم ما یا شما باشد فعل در شمار هم ممکن است با متمم مطابقت کند هم نه:

یکی از شما بیاید/ بیاید اینجا.

یکی از ما اشتباه می‌کنیم/ می‌کند.

کدامیک از شما با این طرح موافق است/ موافقید.

اگر متمم یکی اسم یا ضمیر سوم شخص جمع باشد، فعل در شمار با نهاد مطابقت می‌کند:

یکی از بچه‌ها به گریه افتاد.

یکی از آنها خودش را به مریضی زد.

۳. مطابقت فعل با ضمیر پیوسته - می‌دانیم که ضمائر پیوسته (م، ت، ش، مان، تان، شان) سه نقش می‌توانند داشته باشند: مفعولی: دیدمشان؛ مضاف الیه: کتابتان؛ متمم قیدی: برایش کتاب خریدم.

از طرفی می‌دانیم که عدد می‌تواند یکی از نقشهای اسمی را داشته باشد؛ مثلاً نقش نهادی: دو تا کافی است؛ یا نقش مفعولی: چهار تا را بردار.

اگر ضمیر پیوسته مان یا تان بعد از عدد یا واژه‌های «همه، هرکدام، هیچ‌کدام، بعضی‌ها، نصف» بیاید معمولاً فعل، به جای نهاد، با ضمیر پیوسته مطابقت می‌کند: دو تانمان کار را شروع کردیم. سه تانمان پایین کوه ماندید. ده تانمان ساعت پنج دست از کار کشیدید. چهار تانمان استخدام شدیم. همه‌مان خسته بودیم.

اگر واژه یکی پیش از ضمائر پیوسته مان و تان بیاید، فعل می تواند با نهاد مطابقت کند یا نکند. یکی تان با من همکاری کنید = یکی تان با من همکاری کند.  
اگر ضمیر سوم شخص جمع باشد، فعل با نهاد مطابقت می کند: یکی شان فرار کرد. دوتاشان هنوز در زندان هستند. یکی شان اعتراف کرد.  
در همه حالات فوق، به جای ضمیر پیوسته می توان ضمیر جدا آورد با حرف اضافه «از»: دوتا از ما زودتر آماده شدیم.

۴. مطابقت متمم بعضی از اسمهای جمع با فعل - از اسمهای جمع بعضی، مانند گروه، دسته، عده، اگر با متمم بیایند، فعل جمله با متمم مطابقت می کند نه نهاد: گروهی از شما قانون رازیر یا گذاشته اید. دسته ای از ما با تو موافقیم. اگر متمم این اسمهای جمع ضمیر سوم شخص جمع یا اسم باشد، در این صورت فعل با نهاد مطابقت می کند: بسیاری از بچه ها آمده بودند. بسیاری از میزها شکستند / شکست.

۵. مطابقت فعل با مضاف الیه - بعضی از واژه ها، هر چند در نقش نهادی باشند، فعل با نهاد مطابقت نمی کند بلکه با مضاف الیه نهاد مطابقت می کند. این گونه واژه ها بر چهار گونه هستند:

(۱) بعضی از اسمهای مبهم مانند همه، تمام، همگی، بعضیها، خیلیها، هیچ کدام، هر کدام:

همه شما دوستان خوب من هستید. (مضاف الیه ضمیر جدا)  
همه تان دوستان خوب من هستید. (مضاف الیه ضمیر پیوسته با حذف کسره اضافه)  
همگی ما از این واقعه ناراحت هستیم.  
همگیمان از این واقعه ناراحت هستیم.  
همه آنها آمدند. همه شان آمدند. همه بچه ها آمدند. همه صندلیها شکست / شکستند.

(۲) اعداد کسری: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوسوم شما نمره قبولی آورده اید.

ثلث ما توانستیم به راحتی از رودخانه عبور کنیم.

دوسومتان نمره قبولی آورده اید.

(۳) واژه های اکثر، اغلب، بیشتر:

اکثر ما تابع سنتها هستیم.

اکثرمان تابع سنت هستیم.

اغلبتان خواب بودید.

#### ۴) مضاف الیه واژه خود:

خود ما/ خودمان با انحلال شرکت موافقت کردیم.

۶. مطابقت بعضی از اسمهای مبهم با هر سه شخص جمع - اسمهای مبهم در نقش نهادی اصولاً باید با فعل سوم شخص بیایند؛ اما در زبان فارسی بعضی از اسمهای مبهم بدون داشتن متمم با هر سه شخص مطابقت دارند یعنی گونه آزاد هم هستند: نظر همکاران در مورد این طرح چیست؟ - بعضی کاملاً با آن موافقیم، بعضی خسته شده بودید/ شده بودیم/ شده بودند. بسیاری به امیدهای واهی کار را کردیم = رها کردید = رها کردند. شاید گفته شود که بعضی و بسیاری بدل از نهاد هستند ولی آوردن شما و ما در این جمله‌ها غیرعادی است:

شما بعضی خسته شده بودید. ما بسیاری به امیدهای واهی کار را کردیم.

۷. مطابقت در اسم جمع - بعضی از اسمهای جمع مانند گروه، دسته، جماعت، عده نیز از نظر مطابقت با فعل حکم همان اسمهای مبهم را دارند: مسلم است که گروهی با این نظر موافق هستیم / هستید / هستند.

۸. واژه‌های دال بر احترام - بعضی از واژه‌ها که برای احترام به جای ضمیر اول شخص مفرد یا دوم شخص جمع به کار می‌رود، اصولاً چون ضمیر نیستند، باید با فعل به صورت سوم شخص به کار روند مانند مخلص شما عرض کرد (من عرض کردم)؛ اما این گونه واژه‌ها غالباً، اگر بر اول شخص مفرد دلالت کند، برابر ضمیر من است و اگر بر دوم شخص مفرد دلالت کند برابر ضمیر شما است. به عبارت دیگر، نهاد اینها برخلاف قواعد دستور زبان با شناسه مطابقت نمی‌کند. بنده معتقد هستم به جای بنده معتقد است؛ جناب عالی می‌دانید به جای جناب عالی می‌دانند؛ این جانب نگران هستم به جای این جانب نگران است. واژه‌های حضرتعالی، عالی جناب، سرکار، سرکار عالی معادل واژه شما است.

۹. بافت احترام - در بافت احترام، برای نهاد مفرد فعل جمع به کار می‌رود:

آقای رئیس گفتند. (به جای گفت)

پروین خانم هنوز از سفر برنگشته‌اند؟

۱۰. مطابقت فعل جمله صله صفتی با نهاد جمله اصلی نه نهاد خود - در جمله‌های مرکب با جمله صله صفتی، اگر جمله صله بعد از جمله پایه بیاید، فعل جمله صله، به جای آنکه با

نهاد خودش مطابقت کند، معمولاً با نهاد جمله پایه مطابقت می‌کند:

من از آن آدمهایی نیستم که تسلیم زور بشوم.

حال آنکه منطقاً باید چنین باشد:

من از آن آدمهایی نیستم که تسلیم زور می‌شوند.

البته به صورت دوم هم کاربرد دارد ولی کاربرد اولی بیشتر است. ناگفته نماند که اگر جمله صله صفتی قبل از جمله پایه (یعنی در جای عادی خود) بیاید، فعلش با نهاد خودش مطابقت می‌کند:

من از آن آدمهایی که تسلیم زور می‌شوند نیستم.

#### ۱۱. معطوف به نهاد تأثیری در شناسه فعل ندارد

اگر معطوف به نهاد بعد از فعل بیاید در فعل تغییری ایجاد نمی‌شود؛ به عبارت دیگر

مثل این است که نهاد معطوف ندارد:

من آمده بودم و شما. = من و شما آمده بودیم.

سگ داند و پینه‌دوز در انبان چیست. = سگ و پینه‌دوز می‌دانند که در انبان چیست.

از این واقعه تو باید عبرت بگیری و دوستت. = از این واقعه تو و دوستت باید عبرت بگیری.

#### ۱۲. فعلهای یک‌شخصه - فعلهای یک‌شخصه با نهاد مطابقت ندارند. در این فعلها

شناسه ثابت و به صورت شناسه سوم شخص مفرد مضارع یا ماضی است و نهاد، به جای مطابقت با شناسه، با ضمیر پیوسته مطابقت می‌کند: من دردم گرفت، تو دردت گرفت، او دردش گرفت... شمار این فعلها را شش دانسته‌اند اما نگارنده چهارده فعل یک‌شخصه در فارسی یافته است. (← وحیدیان کامیار، بهمن ۱۳۸۲، ص ۳۸-۲۹)

مطابقت فعل با مسند - سید احمد خراسانی در جمله‌هایی مانند «این منم»، «این

تویی»، معتقد است که فعل به جای مطابقت با نهاد با مسند مطابقت دارد؛ زیرا اگر «من» و

«تو» را نهاد بگیریم جمله غیرعادی است. مثلاً «این منم که باید تصمیم بگیرم» نمی‌شود

«من» را به عنوان نهاد در اول آورد و گفت «من اینم که باید تصمیم بگیرم»؛ بنابراین، فعل

با مسند مطابقت دارد.

به نظر می‌رسد که در این مثالها فعل با مسند مطابقت ندارد. اصولاً کاربرد این‌گونه

جمله‌ها بر دو نوع است:

(۱) مسند ابتدا به صورت ضمیر اشاره می‌آید و بعد به صورت جمله پیرو که در



حقیقت تفسیر و توضیح همان ضمیر اشاره است: این تو بودی که مرا بدبخت کردی که پس از تأویل و با حذف «این» جمله وابسته به جای «این» قرار می‌گیرد: بدبخت کننده من تو بودی. و پیداست که نهاد همان «تو» است نه مسند («این»).

۲) بدون جمله پیرو می‌آید؛ مثلاً عکسی را به کسی نشان می‌دهیم و می‌گوییم: این منم. در این صورت من نهاد است و می‌شود جای آن را با مسند عوض کرد: من اینم. پس فعل با مسند مطابقت ندارد.

به هر حال، چنان که دیدیم، در زبان فارسی مسئله مطابقت فعل با نهاد دقایق بسیار دارد و منحصر به دوسه موردی که مطرح شد نیست.

### ج- فعلهای بی نهاد

فعل، در بعضی از ساختها، نه با نهاد مطابقت دارد و نه با چیزی دیگر زیرا نه دارای نهاد است و نه متمم و نه مضاف الیه و نه ... به عبارت دیگر، فعل مستقل از اینهاست. استقلال فعل در دو مورد است:

۱. فعل با تکواژند که از نظر صورت همان شناسه سوم شخص جمع فعل است اما، برخلاف آن، نه بر جمع دلالت دارد و نه بر مفرد بلکه کار فعل مجهول را انجام می‌دهد جز آنکه فعل مجهول دارای نهاد و به اصطلاح عربی نائب فاعل است. در صورتی که این فعلها نهاد ندارند زیرا در جمله مجهول، مفعول وجود ندارد. به عبارت دیگر، مفعول فعل معلوم، نهاد فعل مجهول می‌شود. اما در این نوع فعل مفعول وجود دارد:

می‌گویند که قصد مسافرت داری = گفته شده است که قصد مسافرت داری.

آورده‌اند (= فعل مجهول قیل در عربی) که شیری در بیشه‌ای می‌زیست.

معمولاً در صورتی ازند استفاده می‌شود که نهاد نامشخص باشد، هرچند به قرینه ذهنی بتوان آن را مشخص گرفت.

### منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران (چاپ هشتم، تهران ۱۳۷۴)؛  
بهاء‌الدین عبدالله بن عقیل (بی‌تا)، مشهور به ابن عقیل، شرح ابن عقیل؛  
الخویسکی کامل (۱۹۸۶)، الجملة الفعلية بسيطة و موسعة، اسکندریه؛

شرتونی، رشید (۱۳۷۴)، منادی العربیه، ج ۲، تهران؛  
صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارزنگ (۱۳۶۲)، دستور سال دوم آموزش متوسطه رشته فرهنگ و ادب، تهران؛  
قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۳۰)، دستور زبان فارسی، ج ۱، تهران؛  
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۲)، دستور زبان فارسی، تهران؛  
وحیدیان کامیار، تقی (بهمن ۱۳۸۲)، «فعلهای یک‌شناسه»، نامه فرهنگستان، دوره ۶، شماره دوم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی